



جلوه‌هایی از سیره و خلق عظیم

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

(مفکر بزرگ جهان اسلام)
علامه سید ابوالحسن علی ندوی رحمته الله
ترجمه و اقتباس: محمد قاسم قاسمی
استاد دارالعلوم زاهدان



«مگسل از ختم رسل ایام خویش

تکیه کم کن بر فن و بر گام خویش»

آنکه مهتاب از سر انگشتش دو نیم

رحمت او عام و اخلاقش عظیم

مقاله حاضر که بقلم توانای دانشمند بزرگ، امام دعوت اسلامی در قرن بیستم حضرت علامه سید ابو الحسن علی ندوی نوشته شده و جلوه‌هایی از سیره رسول اکرم را به تصویر کشیده، اینک ترجمه و اقتباس آن به خوانندگان عزیز تقدیم می‌گردد.

ارتباط آن حضرت با الله صلی الله علیه و آله

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله علی رغم این که پروردگارش او را به مقام رسالت و محبوبیت و اصطفا مشرف نموده و لغزشهای گذشته و آینده‌اش را مورد عفو قرار داده بود، اما مع الوصف او بیش از هر کسی در عبادت الهی مجاهدت می‌فرمود و شدیداً در آن متهمک بود و به آن عشق می‌ورزید.

حضرت «مغیره بن شعبه» رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله چنان عبادت و شب زنده داری می‌فرمود که پاهای مبارک متورم می‌شد. گفته شد، یا رسول الله! خداوند متعال تمام گذشته و آینده شما را عفو فرموده است؟ فرمود: «أفلا أكون عبداً شكوراً؟» ^(۶) «آیا من بنده سپاسگزاری نباشم؟»

ام المؤمنین عائشه صدیقه رضی الله عنها می‌گوید: «قام

اشاره: خداوند تبارک و تعالی جهان خلقت را بسی شگفت انگیز و زیبا آفریده است، و از میان همه مخلوقات انسانها را زیباتر قرار داده است: «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم».

سپس از میان انسانها پیامبران را در همه صفات برتری و امتیاز بخشیده و الگوی جهانیان قرار داده است و از میان پیامبران حضرت ختمی مرتبت، صاحب خلق عظیم، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله را بهترین پیامبران، سید الاولین و آخرین و سیره و اخلاق او را نمونه‌ترین الگوی بشریت معرفی نموده است، چنانکه می‌فرماید: «و انک لعلی خلق عظیم» همانا تو دارای برترین اخلاق هستی.

حقا که حضرت محمد صلی الله علیه و آله رسول بر حق، گل سر سبد انسانیت، جوهر کاینات، خاتم الرسل مولای کل دانای سبیل بوده و سیره پاکیزه‌اش راهگشای هر مشکل، راهنمای هر راه گم کرده و رمز هر پیروزی و کلید هر خوشبختی واقعی است: «لقد کان لکم فی رسول الله أسوة حسنة» همانا رسول خدا بهترین الگوی زندگی شما است. اکنون می‌سزد که بشریت علی العموم و مسلمانان علی الخصوص به سیره پیامبر عطاقت و مهربانی، بازگشت نمایند و وجود و کیان خویش را از سرنو تعالی و ارزش بخشیده و به خوشبختی جاودانه و رستگاری دایم نایل آیند.

علامه اقبال در همین زمینه چه جالب گفته است:

غنچه‌نی از شاخسار مصطفی

گل شو از باد بهار مصطفی

از بهارش رنگ و بو باید گرفت

بهره‌نی از خلق او باید گرفت

مرشدی رومی چه خوش فرموده است

آنکه یم در قطره‌اش آسوده است

۶- روه البخاری فی تفسیر سورة الفتح و مسلم و الترمذی و نسائی فی باب احیاء اللیل.

النبي ﷺ بآية من القرآن ليلة»^(۱) «حضرت ﷺ با یک آیه تمام شب قیام نمود.»

ابوذر رضی اللہ عنہ می گوید: رسول اللہ ﷺ با آیه ای تا صبح قیام نمود و آن آیه این بود:

﴿إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفِيرُ الْحَكِيمُ﴾^(۲)

ام المؤمنین «عائشه صدیقه» روایت می کند: «حضرت طوری روزه می گرفت که ما خیال می کردیم دیگر افطار نمی کند و وقتی افطار می کرد، می گفتیم دیگر روزه نمی گیرد.»

«عبدالله بن شخیر» رضی اللہ عنہ می گوید: «من خدمت رسول

به هر حال هر کسی باشی و دارای هر موقعیتی هستی و در هر حالی که شب و روز را سپری می کنی بدان که سیره و زندگانی حضرت محمد (ص) بهترین راهنما و سرمشق زندگی ات است که تاریکی های زندگی را با نور فروزان خود روشن می کند و کدورت های حیات را بر طرف می سازد. لذا سامانی هایت را سامان می بخشد و انحرافات را اصلاح و کجی ها را راست می نماید.

اللہ ﷺ شرفیاب شدم در حالی که آن حضرت مشغول نماز بود، و از سینه اش بر اثر گریه، صدایی مانند صدای دیگ در حال جوشیدن به گوش می رسید.»^(۳)

به غیر از نماز با چیز دیگری آرام نمی گرفت، و همیشه بعد از ادای یک نماز مشتاق و منتظر نماز دیگر بود و می فرمود: «و جعل قره عینی فی الصلاة»^(۴) «روشنی چشم من در نماز است.»

صحابه کرام رضی اللہ عنہم می گویند: «کان اذا حزبه أمر صلی»^(۵) «هرگاه مشکلی پیش می آمد، به نماز می پرداخت.»

رسول اللہ ﷺ به نماز سخت عشق و علاقه می ورزید و منتظر آن می ماند. اصلاً آرام و قرار نمی گرفت تا این که مستوجه به نماز می شد. گاهی به مؤذنش بلال رضی اللہ عنہ می فرمود: «یا بلال! اقم الصلاة، أرحنابها»^(۶). «ای بلال! نماز را بر پادار، ما را بوسیله آن آرامش و راحت بده.»

زندگی دنیا از دیدگاه حضرت رسول الله ﷺ و زهد او مال دنیا و درهم و دینار از دیدگاه رسول الله دارای چه ارزشی بود؟ شاید بزرگ ترین مجموعه کلمات و قدرت بیان نتواند واقعیت را تعبیر نماید.

گفتار معروف آن حضرت رضی اللہ عنہ، که خودش نمونه عملی آن بود و زندگی اش بر محور آن می چرخید، این بود: «اللهم لا عیش الا عیش الاخرة» «بار الها زندگی فقط زندگی آخرت است.»

روزی حضرت عمر بن الخطاب رضی اللہ عنہ دید که حضرت رسول اکرم رضی اللہ عنہ بر حصیری دراز کشیده و اثر آن بر بدن مبارک دیده می شود. اشک از چشمان حضرت عمر رضی اللہ عنہ سرازیر شد. رسول الله رضی اللہ عنہ فرمود: عمر! چرا گریه می کنی؟ عمر رضی اللہ عنہ گفت: «یا رسول الله! شما برگزیده ترین خلق خدا هستید، حالت شما این است، اما کسری و قیصر در رفاه بسر می بردند.»

چهره مبارک رسول الله رضی اللہ عنہ، از سخن عمر رضی اللہ عنہ قرمز شد، فرمود: «آیا تو در شک هستی ای ابن الخطاب؟» سپس افزود: «اولئك قوم عجلت لهم طيباتهم في حياتهم الدنيا»^(۷) «آنها کسانی هستند که سهمیه خوشی هایشان در همین دنیا به آنها داده شده است. (و در آخرت سهمی ندارند).»

آن حضرت رضی اللہ عنہ این طرز زندگی را نه تنها برای خودش می پسندید، بلکه دوست داشت اهل و خانواده اش نیز دارای همین روش زندگی باشند.

ابوهریره رضی اللہ عنہ می گوید: «قسم به آنکه جان ابوهریره در قبضه اوست، که رسول الله رضی اللہ عنہ و خانواده اش سه روز پشت سر هم از نان گندم سیر نخوردند، تا این که دنیا را وداع گفتند.»^(۸)

۱- رواه الترمذی

۲- رواه النسائی فی باب «تردید الایة» و ابن ماجه فی باب «ما جاء فی القراءة فی اللیل».

۳- رواه الترمذی فی الشمائل.

۴- رواه النسائی کتاب عشرة النساء فی باب «حب النساء»

۵- رواه ابوداود.

۶- رواه ابوداود (کتاب الأدب، باب «فی صلاة العتمة»).

۷- راجع الحدیث بطوله فی الصحیحین

۸- رواه البخاری و احمد، و اللفظ لأحمد؛ و رواه مسلم فی کتاب

حضرت عائشه صدیقه رضی الله عنها می گوید: «بر ما آل محمد ﷺ، یک ماه سپری می شد، ولی در خانه مان آتش (برای پختن) روشن نمی کردیم، صرفاً به دو چیز اکتفا می کردیم، یکی خرما، دیگری آب.» (۱)

زره جنگی آن حضرت ﷺ پیش یک یهودی به گرو گذاشته شده بود، چیزی نمی یافت تا آن را از دست یهودی بستاند. تا این که از دنیا رحلت فرمود. (۲)

رسول اکرم ﷺ وقتی به حجة الوداع رفتند، مسلمانان تا جایی که نگاه کار می کرد، با ایشان همراه بودند، تمام شبه جزیره تحت فرمان حضرت بود. اما با این وصف، حضرت بر پالانی کهنه که بر آن چادری به ارزش چهار درهم گذاشته بود، مسافرت نمودند و چنین دعا کردند: «اللهم ايسله حجاً لارياء فيه ولا سمعة» (۳) «بارالها! این حج را خالی از هرگونه ریا و تظاهر بگردان.»

ارتباط آن حضرت ﷺ با مردم

عبادت و زهد رسول الله ﷺ و توجه همه جانبه اش به سوی الله و مشغولیت و مناجاتهای وی با پروردگار خویش، هرگز مانع خوش رویی و خوش رفتاری وی با مردم نمی شد، بلکه مع الوصف از احوال مردم می پرسید. از آنان دلجویی می کرد و با ملاطفت رفتار می کرد و حق هر صاحب حق را ادا می نمود، و این کاری است که از هر کسی ساخته نیست. در صورتی که می فرمود: «اگر شما می دانستید آنچه را که من می دانم، کمتر می خندیدید و بیشتر گریه می کردید.» (۴)

رسول الله ﷺ بیش از هرکس سعه صدر داشت، نرم خو و خوش معاشرت بود؛ با اصحابش مزاح می فرمود و با آنها اختلاط و گفتگو می نمود. با کودکانشان شوخی می کرد و آنها را در آغوش خود می نشانید. دعوت آزاده، برده، کنیز و بینوا را قبول می فرمود. در اقصی نقاط شهر به عیادت بیماران می رفت، عذر معذرت خواه را می پذیرفت و هیچ گاه دیده نشد که پاهای مبارک را در میان اصحابش دراز نماید، تا مبادا باعث ناراحتی کسی شود.

عبدالله بن حارث رضی الله عنه می گوید: «ما رأيت أكثر تبسماً من رسول الله ﷺ» «من کسی را ندیده ام که بیش از رسول الله ﷺ تبسم کند.» (۵)

رسول الله ﷺ بسیار با محبت و خیلی مهربان بود. عواطف و احساسات لطیف بشری در زیباترین مظهر خود در وجود آن حضرت تجلی یافته بود.

حضرت انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ به فاطمه رضی الله عنها می گفت: «ای فاطمه! دو فرزندم (حسن و حسین) را صدا کن، آنگاه آنها را می بویید و به خود مسمی چسبانید.» (۶) یکبار نوه اش حسن بن علی رضی الله عنهما را صدا زد، حضرت حسن رضی الله عنه با سرعت آمد و در آغوش حضرت ﷺ قرار گرفت و دستش را داخل محاسن مبارک فرو برد. (۷)

اسامه بن زید رضی الله عنه روایت می کند، که دختر رسول الله ﷺ به آن حضرت ﷺ پیغام فرستاد که فرزندش در حال احتضار است، تشریف بیاورید. رسول الله ﷺ کسی را فرستاد که به وی سلام برساند و بگوید: «ان لله ما أخذ و ما أعطى و كل شيء عنده مسمى، فلتصبر ولتحتسب» «باید صبر کند و امیدوار پاداش و اجر باشد، مال خداست آنچه می گیرد و می دهد، و هر چیز نزد وی میعاد معینی دارد.»

اما دختر آن حضرت ﷺ مجدداً کسی را فرستاد و سوگند داد که حتماً تشریف بیاورد، آن حضرت ﷺ برخاست، ما هم با وی برخاستیم و رفتیم. وقتی نشست، بچه پیش وی آورده شد، بچه را در حالی که نفسش قطع می شد در آغوش خود نشانید. در این حال از چشمان مبارک اشک سرازیر شد. سعد گفت «ما هذا یا رسول الله؟» یا رسول الله این گریه چیست؟ فرمود: «این نوعی رحمت است که خداوند آن را در دلهای هر یک از بندگانش که بخواهد قرار می دهد، و همانا خداوند بر همان بندگان ترحم می فرماید که آنها بر دیگران مهربانی و ترحم کنند.» (۸)

حضرت بر کودکان بسیار عطف و مهربان بود. حضرت

الزهد

- ۱- متفق عليه
- ۲- رواه الترمذی
- ۳- رواه الترمذی فی الشمائل عن انس
- ۴- متفق عليه
- ۵- الترمذی فی الشمائل
- ۶- رواه الترمذی فی ابواب المناقب، باب «مناقب الحسن و الحسين».
- ۷- الادب المفرد للبخاری ص ۱۷۳.
- ۸- رواه البخاری، کتاب المرض، باب «عیادة الصبيان» و فی (کتاب الجنائز، باب قول النبی ﷺ: يعذب الميت بيكاه اهله).

انس رضی اللہ عنہ روایت می‌کند، که یکبار رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آله و سلم از کنار کودکانی که بازی می‌کردند، عبور کرد و به آنها سلام داد. (۱)

نسبت به مسلمانان بسیار رثوف بود، و احوال و اوضاع آنها را خیلی مراعات می‌نمود و ناراحتی و ملال شان را لحاظ می‌کرد.

ابن مسعود رضی اللہ عنہ می‌گوید: «رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آله و سلم در موعظه رعایت حال ما را می‌کرد، مبدا خسته و ملول شویم».

آن حضرت صلی اللہ علیہ و آله و سلم با وجود عشق و علاقه‌اش به نماز، هر گاه صدای گریه کودکی را می‌شنید، نماز را کوتاه و مختصر می‌کرد، و می‌فرمود: من وقتی برای نماز می‌ایستم دلم می‌خواهد آن را طولانی کنم، اما همین‌که صدای گریه کودکی به گوشم می‌رسد، از اندیشه این که مبدا مادرش ناراحت شود، نماز را مختصر می‌کنم. (۲)

خداوند متعال قلب مبارک پیامبر برگزیده‌اش را از حسد و کینه پاک کرده بود نسبت به هیچ کسی در دلش بدی و کینه نداشت، می‌فرمود: «هیچ کسی درباره یاران من چیزی به من نرساند، چرا که من دوست دارم وقتی به سوی شما می‌آیم دلم کاملاً پاک و صاف باشد». (۳)

آن حضرت صلی اللہ علیہ و آله و سلم برای مسلمانان همچون پدری مهربان بود، و همه مسلمانان نزد وی مانند افراد خانواده‌اش بودند، بر آنها چنان شفقت می‌ورزید که زنان شیرده بر کودکی که تازه از شیرش جدا کنند، شفقت می‌ورزند. حضرت به این کار نداشت که اللہ جل‌شانه به آنها چقدر نعمت، مال و رزق ارزانی داشته است، اما در مورد بدهکارهای آنان نگران بود و مسئولیت آنها را بر دوش می‌گرفت، و می‌فرمود: «هر کسی مالی از خود بجای بگذارد، آن مال مربوط به وارثانش است، اما اگر بدهکاری و مسئولیتی دارد، بر عهده ما است»، (۴)

در خانه و با خانواده

رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آله و سلم در منزلش فردی مانند سایر افراد بشر بود، ام المؤمنین حضرت عائشه صدیقه رضی اللہ عنہا می‌فرماید: خودش لباسش را تمیز می‌کرد، گوسفند را می‌دوشید، کار خودش را انجام می‌داد، و اضافه می‌کند: لباسها را وصله می‌زد، کفش خود را مرمت می‌کرد.

حضرت انس رضی اللہ عنہ می‌گوید: «من کسی را ندیده‌ام که مانند رسول اللہ نسبت به خانواده‌اش مهربان باشد». (۵)

ام المؤمنین حضرت عائشه رضی اللہ عنہا می‌گوید: رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آله و سلم فرمودند: «بهترین شما کسی است که با خانواده‌اش خوب باشد و من بهترین شما نسبت به خانواده‌ام هستم». (۶)

ابوهریره رضی اللہ عنہ می‌گوید: «رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آله و سلم هرگز از غذا عیب نمی‌گرفت، اگر دوست می‌داشت می‌خورد، اگر

به راستی که سیره طیبه و جامع رسول اللہ (ص) ملاک حسن اخلاق و بنیاد آموزش‌ها، برای همه ملل جهان و همه طبقات بشر در تمام مراحل و شرایط گوناگون زندگی است.

نمی‌پسندید ترک می‌فرمود». (۷)

مقدم داشتن نزدیکان در خطرها و زیان‌ها و عقب انداختن آنها در آسایش و مزایا

روش همیشگی رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آله و سلم در اهل بیت و فامیل‌های نزدیک این بود که آنها را در خطرها و زیان‌ها مقدم می‌داشت، ولی در آسایش و مزایا عقب می‌گذاشت. وقتی در جنگ بدر، «عتبه بن ربیع»، «شیهه بن ربیع» و «ولید بن عتبه» که از قهرمانان معروف عرب بودند، از میان قریش و مسلمانان مهاجر مبارز طلبیدند. رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آله و سلم به خوبی می‌دانست که آنها در جنگ دارای چه موقعیتی هستند. از این طرف در میان اصحاب قهرمانانی وجود

۱- رواه البخاری فی کتاب الاستیذان.

۲- رواه البخاری فی کتاب الصلاة (باب من أخف الصلاة).

۳- «کتاب الشفاء» ص ۵۵، رواه عن طریق ابی داود.

۴- رواه البخاری فی صحیحہ فی کتاب الاستقراض، باب «الصلاة علی من ترک دیناً»

۵- رواه احمد فی مسند، عن انس، و رواه مسلم.

۶- رواه ابن ماجه فی باب «حسن معاشرۃ النساء»

۷- متفق علیہ: رواه البخاری فی کتاب الاطعمه، باب «ما عاب النبی صلی اللہ علیہ و آله و سلم طعاماً» و رواه مسلم فی صحیحہ.

داشتند که آمادگی داشتند برای مبارزه برخیزند، اما مع الوصف رسول اکرم ﷺ فقط به نزدیکترین افراد خود، دستور مقابله داد و فرمود: «بیاخیز ای حمزه!» «برخیز ای علی!» بلند شو ای «عبیده!» همه اینها نزدیکترین و محبوبترین افراد به رسول الله بودند. اما آن حضرت ﷺ به خاطر جان آنها دیگران را بر آنها مقدم نشمرد.

وقتی آن حضرت ﷺ تصمیم گرفت که ربا را حرام قرار دهد و خونهای جاهلیت قدیم را هدر اعلام نماید، از ربای عباس و خون ربیعه بن الحارث بن عبدالمطلب آغاز کرد.

در خطبه «حجة الوداع» چنین فرمود: «ربای جاهلیت بی اعتبار است، اولین ربایی که آن را لغو اعلام می کنم، ربای خود ماست. یعنی ربای عباس بن عبدالمطلب، خونهای جاهلی هدر و کالعدم هستند. اولین خونی که از خونهای خود هدر و بی اعتبار اعلام می کنم، خون «ربیعه بن الحارث» است.»^(۱)

اما در آسایش و مزایا پیوسته افراد خانواده اش را بر خلاف پادشاهان و رهبران سیاسی همیشه دور نگاه می داشت و مؤخر می کرد.

حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه می فرماید: که فاطمه رضی الله عنها به سبب گرداندن آسیا برای آرد ناراحت بود، به او خبر رسید که نزد رسول الله ﷺ بردگانی را آورده اند، او به حضور رسول الله ﷺ آمد تا خادمی برای کارهای خانه (آسیاب و غیره) درخواست نماید اما خجالت کشید و موفق نشد، سخن بگوید. بالاخره موضوع را با ام المؤمنین عائشه صدیقه رضی الله عنها در میان گذاشت، وقتی حضرت رسول اکرم تشریف آورد، عائشه رضی الله عنها مشکل حضرت فاطمه رضی الله عنها را در میان نهاد. حضرت علی رضی الله عنه می فرماید. وقتی حضرت متوجه شد، نزد ما تشریف آورد، ما رختخوابمان را پهن کرده بودیم و داشتیم استراحت می کردیم. با تشریف فرمایی رسول الله ﷺ خواستیم بلند شویم، فرمودند: از جای تان تکان نخورید، حضرت علی می گوید: من اثر خنکی قدمهای مبارک را بر سینهام احساس کردم، آن حضرت ﷺ فرمود: آیا دوست دارید من شما را به چیزی بهتر از آنچه خواسته بودید، راهنمایی بکنم؟ و آن

این است که هر وقت داخل رختخواب رفتید، ۳۴ بار الله اکبر، ۳۳ بار الحمد لله، و ۳۳ بار سبحان الله بگویید، این عمل برای شما خیلی بهتر است از آنچه خواسته بودید (یعنی از خادم و غیره)^(۲) درباره همین قصه در روایت دیگر آمده است، که حضرت فرمود: «سوگند بخدا، من چگونه به شما بدهم و اهل صغه را بگذارم، در حالی که شکم هایشان از گرسنگی جمع شده است و من چیزی ندارم تا برای آنها خرج کنم، البته این بردگان را می فروشم و پول آنها را برای اهل صغه انفاق می نمایم.»^(۳)

عواطف زیبا و احساسات ظریف انسانی

رسول الله ﷺ با وجود مسئولیت های نبوت و دعوت و بار سنگین غم و فکر برای نجات بشریت که کوههای استوار از تحمل آن عاجز بودند، علی رغم این همه، در سیره پاکش عواطف زیبا و احساسات ظریف انسانی در زیباترین مظهر خود تجلی یافته بود.

آن حضرت ﷺ با وجود قاطعیت و نیروی اراده که صفت ممتاز انبیاء است و با آنکه در راه دعوت و اعلای کلمه الله برای هیچ چیزی ارزش و وقعی باقی نمی گذارد اما با وجود آن، اصحاب و یاران با وفایش را هرگز از یاد نمی برد. خصوصاً آنهایی را که به دعوتش لبیک گفته در راه الله جان خود را قربان کرده و از معرکه احد گرفته، تا آخرین ایام زندگی رسول الله به مقام شهادت رسیده بودند.

آن حضرت ﷺ پیوسته به یاد آنها بود و برایشان دعا می کرد و به دیدن شان تشریف می برد و این محبت به اندازه ای بود که به جایگاه جنگ و کوه احد و شهر مدینه نیز سرایت کرده بود.

ابو حمید روایت می کند، که ما همراه رسول الله از تبوک بر می گشتیم وقتی به نزدیک مدینه رسیدیم، حضرت فرمودند: «این طایه^(۴) است، و این همان کوهی است که ما

۱- رواه مسلم فی کتاب الحج، باب «حجة النبی ﷺ»، و أبوداود عن جابر ابن عبدالله.

۲- رواه البخاری فی کتاب الجهاد، باب «الدلیل علی أن الخمس لنوابی رسول الله ﷺ».

۳- اخرجہ أحمد (فتح الباری ج ۷، ص ۲۳-۲۴).

۴- طایه: نامی از نام های مدینه متوره است.

را دوست دارد، و ما آن را دوست داریم.»^(۱)

عقبه روایت می‌کند که رسول الله ﷺ روزی از مدینه خارج شد و بر اصحاب احد مانند نماز میت، نماز گزارد.^(۲)

بزرگواری و بردباری آن حضرت ﷺ

رسول گرامی ﷺ امام بشریت و معلم آن در حسن اخلاق و بزرگواری و فروتنی بود، چنان که خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَأَعْلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ﴾ «به راستی که تو بر بهترین اخلاق هستی».

حضرت جابر می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: «ان الله بعثني لتتمام مكارم الاخلاق و كمال محاسن الانعال»^(۳) «بدون تردید، الله تعالی مرا به منظور تکمیل خوبیهای اخلاق و اتمام زیباییهای کردار مبعوث نموده است».

از ام المومنین عائشه صدیقه رضی الله عنها در مورد اخلاق رسول گرامی استفسار شد. ام المومنین فرمود: «كان خلقه القرآن»^(۴) «اخلاق رسول الله ﷺ سراسر عبارت از قرآن بود».

ایشان در گذشت، بردباری، سعه صدر و تحمل به حدی رسیده بود که تیزهوشی هوشمندان و تخیل شعرا به آنجا راه ندارد.

ما ذیلاً اندکی از آن را بطور نمونه برای خوانندگان عزیز تقدیم می‌داریم.

یکی از موارد مهم بزرگواری و بخشندگی آن حضرت ﷺ، عفو و گذشت از سرسخت‌ترین دشمنش عبدالله بن ابی و نیکی به اوست. وقتی عبدالله بن ابی را که رئیس منافقان بود در قبر گذاشتند، حضرت فرمود او را بیرون آورند، آنگاه او را بر زانوهای خود نهاد و از آب دهان مبارکش بر او انداخت و پیراهن خود را بر او پوشانید.^(۵)

زید بن سعه قبل از این که مشرف به اسلام شود، نزد رسول الله ﷺ آمد و دین خود را که بر حضرت بود، طلب کرد. لباس رسول الله ﷺ را از شانه‌اش به طرف خود کشید و لباسش را محکم نگه داشت و با خشونت گفت: «شما ای فرزندان عبدالمطلب بسیار ملاحظه می‌کنید». حضرت عمر ﷺ او را نهیب زد و با تندی با او سخن گفت. اما

آری! سیره محمدی چراغ فروزانی برای جویندگان نور و روش موفقیت‌آمیزی برای طالبان هدایت، و راهنمایی‌هایش پناهگاه هر جوینده رشد و سعادت است.

رسول الله تبسم می‌کرد آنگاه رو به عمر کرده فرمود: ای عمر! من و ایشان به چیزی دیگر غیر از این برخوردار شما احتیاج داشتیم؛ بر شما لازم بود که مرا به حسن پرداخت و او را به حسن طلب تاکید می‌نمودید، سپس فرمود که از موعده این شخص فقط سه روز باقی است. وانگهی به عمر ﷺ دستور داد که طلب او را بپردازد و بیست صاع اضافی به خاطر این که حضرت عمر ﷺ او را ترسانده است، به او بدهد. همین واقعه سبب شد که زید بن سعه اسلام بیاورد.^(۶)

حضرت انس ﷺ می‌گوید: هشتاد نفر مسلح از اهالی مکه از بالای کوه التنعیم به منظور اغفال و سوء قصد به رسول الله، پایین آمدند. حضرت

۱- صحیح بخاری (کتاب المغازی) قصه تبوک

۲- همان منبع

۳- رواه فی شرح السنه، مشکوٰۃ المصابیح، ص ۵۱۴.

۴- رواه الامام مسلم فی صحیحہ، من حدیث عایشه بطوله

۵- صحیح البخاری، کتاب الجنائز، ملخصاً.

۶- رواه البیهقی مفضلاً و ابن حبان و الطبرانی.

همگی را دستگیر کرد، اما زنده گذاشت. (۱)

حضرت جابر رضی الله عنه می گوید: ما در غزوه نجد همراه رسول اکرم صلی الله علیه و آله بودیم. در یک وادی پر درخت فرود آمدیم. حضرت صلی الله علیه و آله به قصد استراحت زیر درخت سمره ای رفت و شمشیرش را بر درخت آویخت و خود مشغول استراحت شد. مردم به خاطر سایه های درختان متفرق شدند. در همین دوران ناگهان رسول الله صلی الله علیه و آله ما را صدا کرد، ما حاضر شدیم، دیدیم یک مرد صحرائین جلوی آن حضرت صلی الله علیه و آله نشسته است. حضرت فرمود: من خواب بودم این مرد آمد و شمشیر مرا از نیام بیرون کرد و بالا گرفت، من بیدار شدم دیدم او بالای سرم شمشیر کشیده و ایستاده است و می گوید: «من یمنعک منی؟» «چه کسی تو را از دست من نجات می دهد؟» گفتم: الله! آنگاه او شمشیر را در نیام گذاشت و نشست، اینک نشسته است، جابر می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله آن مرد را مجازات نمود. (۲)

او در تمام حالات معلمی مهربان و مصلحی غمخوار بود.

حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند: که یکبار مردی اعرابی در مسجد ادرار نمود، مردم برخاستند تا او را بزنند، اما رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود، او را بگذارید، و بر جای ادرارش دلوی آب بریزید. سپس فرمود: «فانما بعثتم میسرین، و لم تبعثوا معسرین» (۳) «همانا شما، برای آسانگیری مبعوث شده اید، نه برای سختگیری».

حضرت انس می فرماید: «باری تکبیر نماز گفته شده بود که مردی اعرابی نزد حضرت آمد و لباسش را گرفت و گفت: حاجت مختصری دارم، می ترسم آن را فراموش کنم آن حضرت صلی الله علیه و آله همراه او بلند شد تا این که از حاجت آن مرد فراغت یافت و سپس به نماز مشغول شد.

تحمل، سعه صدر و شکیبایی اش به قدری بود که خدمتگزار او انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: «خدمت النبی صلی الله علیه و آله عشر سنین فما قال لی: أف و لا لما صنعت، و لا ألا صنعت!» (۴) «من ده سال مرتب برای رسول الله صلی الله علیه و آله خدمت نمودم، اما در تمام این مدت، آن حضرت صلی الله علیه و آله به من أف نگفت و گاهی نفرمود: چرا چنین کردی یا چرا چنان نکردی؟»

سعاد بن عمر رضی الله عنه می گوید: خدمت حضرت شرفیاب شدم. در حالی که بر لباسهایم اثر ورس (۵) نمایان بود.

همین که حضرت مرا دید، فرمود: ورس! ورس! بینداز، بینداز! آنگاه به شکم من چوبی زد که ناراحت شدم عرض کردم: یا رسول الله! قصاص می خواهم، آن حضرت صلی الله علیه و آله فوراً لباس خود را از شکم مبارک برداشت و فرمود: بیا قصاص بگیر.

تواضع و فروتنی رسول اکرم صلی الله علیه و آله

تواضع و فروتنی حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله به حد نهایت رسیده بود. آن حضرت صلی الله علیه و آله تبعیض را در حق خود نمی پسندید، دوست نداشت کسی به خاطر او بر پا بایستد. یا کسانی در مدح و ستایش وی از حد بگذرند و او را از مرتبه عبودیت و رسالت برتر پندارند. چنان که امت های گذشته در حق پیامبران خود مرتکب شدند.

حضرت انس می گوید: هیچ کسی از رسول الله صلی الله علیه و آله برای ما محبوب تر نبود، اما وقتی ما او را می دیدیم، بلند نمی شدیم، به دلیل این که می دانستیم او ناراحت می شود. (۶)

از حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه روایت شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «در مدح من مبالغه و اغراق ننمایید؛ چنان که نصارا در حق عیسی بن مریم مبالغه و اغراق کردند، زیرا من بنده ای بیش نیستم، پس بگویید، بنده الله، و رسول او.» (۷)

عبدالله بن ابی اوفی رضی الله عنه روایت می کند: که رسول الله صلی الله علیه و آله همراه رفتن با بردگان و بیوگان را برای خود عیب نمی دانست، تا این که از کار آنها فراغت می یافت. (۸)

«تواضع رسول الله بحدی بود که کنیزی از کنیزهای مدینه دست حضرت رسول صلی الله علیه و آله را می گرفت و هر کجا که

۱- رواه مسلم فی کتاب الجهاد و السیر، باب «قول الله»: (و هو الذی کف ایدیهم عنکم).

۲- صحیح البخاری (کتاب المغازی، باب «غزوة بنی المصطلق».

۳- القصة رواها البخاری فی کتاب الوضوء.

۴- رواه مسلم فی کتاب الفضائل، باب «حسن خلقه صلی الله علیه و آله».

۵- نوعی عطر که با زعفران آمیخته می شود.

۶- رواه الترمذی باب «ما جاء فی کراهة قیام الرجل للرجل» و رواه

أحمد فی المستدرج ۳ ص ۱۳۲.

۷- رواه البخاری فی کتاب الانبیاء

۸- رواه البیهقی فی باب تواضع رسول الله صلی الله علیه و آله

می خواست او را می برد.»^(۱)

وقتی عدی بن حاتم طائی به مدینه آمد، حضرت ﷺ را به منزل خود دعوت نمود. کنیز متکابی آورد تا حضرت بر روی آن بنشیند، اما آن حضرت ﷺ آنرا میان خود و عدی قرار داد و خودش بر روی زمین نشست. عدی می گوید:

«فهمیدم که او یک پادشاه نیست»

(بلکه پیامبر بر حق است).^(۲)

آنس ﷺ می گوید: «رسول الله ﷺ بیمار را عیادت می کرد، در نماز جنازه حضور می یافت، سوار الاغ می شد و دعوت غلام و کنیز را قبول می کرد.»^(۳)

حضرت انس ﷺ می گوید: «رسول الله ﷺ برای نان جو و خورشت های بدمزه دعوت می شد، اما دعوت را قبول می کرد.»^(۴)

عمرو بن العاص می گوید: «رسول الله ﷺ نزد من تشریف آورد، من بالشی که داخل آن

لیف خرما بود تقدیم کردم، اما حضرت ﷺ بر روی زمین نشستند و بالش میان من و ایشان قرار گرفت.»^(۵)

اصحاب می گویند: «حضرت ﷺ، خانه را جاروب می زد، شتر را می بست، حیوان را علف می داد، با خادم غذا می خورد، آرد را با او خمیر می کرد و وسایل خود را از بازار، خودش حمل می کرد.»^(۶)

حیا و شجاعت رسول اکرم ﷺ

رسول اکرم ﷺ جامع حیا و شجاعت بود. در صورتی که بسیاری معتقدند این دو وصف ضد یکدیگرند. در مورد حیای آن حضرت ﷺ ابوسعید خدری رضی الله عنه می گوید: «حضرت رسول اکرم ﷺ از دختر دوشیزه و پرده نشین با حیاطر بود. هر چیزی که نمی پسندید ما آثار ناپسندی را از چهره مبارکش تشخیص می دادیم.»^(۷)

به دلیل حیا بود که دوست نداشت مستقیماً در مورد آنچه نمی پسندد کسی را تذکر دهد. ام المؤمنین عائشه

صدیقه رضی الله عنها می گوید: هر گاه رسول الله ﷺ درباره عیب و بدی کسی مطلع می شد، هنگام تذکر دادن نمی فرمود: فلانی را چه شده است؟ بلکه صیغه جمع بکار می برد و می فرمود: چه شده آنهایی را که چنین می کنند یا چنین می گویند. بدین طریق بدون گرفتن نام شخص نهی عن المنکر می کرد.^(۸)

اما در مورد شجاعت آن حضرت ﷺ گواهی قهرمان قهرمانان و جوانمرد جوانان علی بن ابی طالب رضی الله عنه کافی است، او می فرماید: وقتی جنگ شدت می گرفت و آتش آن داغ می گشت ما به رسول الله ﷺ پناه می گرفتیم، هیچ کس از او به دشمن نزدیک تر نبود. من روز بدر خودم مشاهده کردم که ما به آن حضرت پناه می گرفتیم و او از هر

اگر شما پادشاه و فرمانروا هستید به سنن و اعمال حضرت رسول اکرم (ص) اقتدا کنید آن هنگام که او فرمانروای سرزمین عرب گردید و حکام عرب و فرزنانگان آن دیار به اطاعتش گردن نهادند. اگر شما رعیت و ناتوان هستید، باز هم سیره و زندگانی حضرت رسول الله (ص) بهترین سرمشقان است، آن هنگام که او در قلمرو نظام مشرکانه در مکه بسر می برد و اگر شما فاتح و پیروز شده اید، به زندگی او بنگرید آنوقت که بر دشمنان در بدر و حنین و مکه فتح و ظفر یافت و اگر شما (خدای ناکرده) شکست خورده اید، از او درس بگیرید، آنگاه که در روز احد میان اصحاب شهید و یاران مجروح خود قرار داشت.

کس به دشمن نزدیک تر بود.^(۹)

در معرکه احد و روز حنین شجاعت رسول اکرم ﷺ کاملاً روشن شد. هنگامیکه دلیران میدان جنگ را خالی گذاشتند، آن حضرت ﷺ بر قاطرش پا بر جا بود، گویی چیزی نشده است و در همان حال می فرمود:

«أنا النبي لا كذب» «من پیامبر خدا هستم، دروغ نیست»

«أنا ابن عبدالمطلب» من فرزند عبدالمطلب هستم.»

- ۱- رواه احمد فی المستدرج، ۳، ص: ۱۹۸-۲۱۵ و جمع الفوائد ج: ۲، کتاب المناقب باب صفاته و اخلاقه.
- ۲- زاد المعاد، ج ۱، ص ۴۳.
- ۳- رواه الترمذی فی الشامل؛ باب التواضع للنبي ﷺ.
- ۴- رواه الترمذی فی الشامل فی باب تواضع النبي ﷺ و رواه احمد فی المستدرج، ۳، ص ۲۱۱.
- ۵- الادب المفرد، ص ۱۷۲.
- ۶- کتاب الشفاء، ص ۱۰۱، روایة عن البخاری.
- ۷- رواه البخاری فی کتاب المناقب؛ باب «صفة النبي ﷺ».
- ۸- معنی الحديث فی سنن أبی داود باب «حسن العشرة».
- ۹- الشفاء، ص ۸۹.

رفت عمومی و مهربانی بی حد و گسترده

رسول اکرم ﷺ با وجود دلیری و شجاعت بی مثالش، فوق العاده رقیق القلب و مهربان بود. زود اشکش جاری می شد؛ دلش برای ضعفا می سوخت و بر حیوانات و چهارپایان ترحم می نمود و دیگران را نیز نسبت به آنها توصیه به مهربانی می کرد. شداد بن اوس رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «همانا خداوند در هر مورد احسان و نیکی را لازم قرار داده است، پس هر وقت کسی را می کشید، با روش نیکو او را بکشید، و هر وقت حیوانی را ذبح می کنید، با روش خوب آن را ذبح کنید، کارد را تیز کنید و ذبیحه را راحت برسانید.»

عبدالله بن جعفر رضی الله عنهما می فرماید: روزی رسول الله ﷺ داخل باغ یک انصاری تشریف برد. آنجا شتری بود، وقتی شتر رسول اکرم ﷺ را دید ناله کرد و از چشمانش اشک سرازیر گردید. رسول اکرم نزد آن رفت و بر روی کوهان و سرش دست کشید، شتر آرام گرفت. بعد فرمود: صاحب این شتر چه کسی است؟ این شتر مال کیست؟ جوانی از انصار آمد و گفت: یا رسول الله این شتر مال من است، آن حضرت رضی الله عنه فرمود، آیا در مورد این حیوان که خداوند آنرا در ملکیت تو قرار داده از خدا نمی ترسی؟ این شتر پیش من شکایت می کند که تو آن را گرسنه نگه می داری و همیشه از آن کار می گیری. (۱)

ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: ما در یک مسافرت همراه رسول اکرم ﷺ بودیم. رسول الله ﷺ به قصد حاجت تشریف بردند، ما گنجشکی دیدیم که دو جوجه همراهش بود، ما جوجه هایش را گرفتیم. گنجشک پرهایش را به زمین می زد. تا این که رسول الله ﷺ تشریف آورد. فرمود: چه کسی این پرنده را با جوجه هایش دچار مصیبت کرده است؟ زود باشید جوجه هایش را به آن برگردانید.

در جایی دیگر شهر مورچه ها را دید که ما آن را سوزانده بودیم. فرمود: چه کسی این را سوزانده است؟ گفتیم: ما این کار را کردیم، فرمود: «بجز خداوند برای کسی دیگر شایسته نیست که مخلوقی را با آتش عذاب بدهد.» (۲)

جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله ﷺ

درباره غلامان و کنیزان توصیه به نیکی می کرد و می فرمود: «از آنچه می خورید آنها را بخورانید، و از آنچه می پوشید آنها را بپوشانید و خلق خدا را شکنجه ندهید.» (۳)

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می فرماید: مردی از صحرا نزد رسول الله ﷺ آمد و پرسید: «یا رسول الله! کم آغو من الخادم کل یوم؟ قال: سبعین مرة» (۴) «یا رسول الله! هر روز چند بار از خدمتگزار گذشت نمایم؟ آن حضرت رضی الله عنه فرمود: هفتاد مرتبه.»

ابن عمر رضی الله عنهما می فرماید: آن حضرت رضی الله عنه ارشاد فرمودند: «أعطوا الاجیر أجره قبل أن یجف عرقه» (۵) «اجر کارگر را به او بدهید قبل از این که عرقش خشک شود.»

نمونه کامل و سرمشق همگان

اینک می خواهیم اقتباسی بسیار زیبا از کتاب «الرسالة المحمدية» تالیف سیره نگار معروف، استاد بزرگ، حضرت علامه سید سلیمان ندوی رضی الله عنه برای خوانندگان نقل کنیم، ایشان در کتاب خود توضیح داده است که چگونه حضرت رسول الله ﷺ سرمشق تمامی طبقات بشر و قدوه و پیشوای افراد گوناگون در هر شرایط و هر زمان است؟! چنان که می فرماید:

«حیات و زندگانی رسول اکرم ﷺ اعمال گوناگونی را در بردارد، بطوریکه بهترین نمونه و عالی ترین روش برای زندگی انسان ها در هر مرحله ای است، زیرا جامع و در برگیرنده اخلاق عالی، عادات حسنه و احساسات و عواطف پاکیزه و انگیزه های مهم و استوار می باشد.»

اگر شما توانگر و ثروتمند هستید به رسول اکرم ﷺ اقتدا کنید. آن هنگام که وی با کالای تجارت در میان حجاز و شام حرکت می کرد و آن هنگام که صاحب خزانه های بحرین گردید.

اگر شما محتاج و مفلس هستید، برایتان زندگی وی بهترین سرمشق است آنگاه که در شعب ابوطالب در

- رواه مسلم فی باب «الامر باحسان الذبیح» (کتاب الذبائح).

۱- رواه ابوداود فی باب ما یؤمر به من القیام علی الدواب.

۲- رواه ابوداود فی کتاب الجهاد، باب «کراهیه حرق العدو بالنار».

۳- رواه البخاری فی «الادب المفرد» ص ۳۰.

۴- رواه الترمذی و ابوداود.

۵- رواه ابن ماجه فی ابواب الرهون (باب أجر الاجراء).

محاصره بود و آنگاه که از وطن خود به مدینه هجرت کرد و هیچ چیزی از کالای دنیا با خود همراه نداشت.

اگر شما پادشاه و فرمانروا هستید به سنن و اعمال حضرت رسول اکرم ﷺ اقتدا کنید آن هنگام که او فرمانروای سرزمین عرب گردید و حکام عرب و فرزندان آن دیار به اطاعتش گردن نهادند. اگر شما رعیت و ناتوان هستید، باز هم سیره و زندگانی حضرت رسول الله ﷺ بهترین سرمشقان است، آن هنگام که او در قلمرو نظام مشرکانه در مکه بسر می برد و اگر شما فاتح و پیروز شده اید، به زندگی او بنگرید آنوقت که بر دشمنان در بدر و حنین و مکه فتح و ظفر یافت و اگر شما (خدای ناکرده) شکست خورده اید، از او درس بگیرید، آنگاه که در روز احد میان اصحاب شهید و یاران مجروح خود قرار داشت. اگر شما معلم و آموزگار هستید به او بنگرید، آن هنگام که در شبستان مسجد نبوی مشغول تعلیم اصحابش است و اگر شما شاگرد و دانشجو هستید؛ نشستن مودبانه او را در حضور «الروح الامین» (جبرئیل) تصور فرمایید.

اگر شما سخنران، ناصح و مرشد دلسوزی هستید، به سوی او گوش فرا دهید، آن هنگام که بر منبر چوبین مسجد نبوی نشسته مردم را موعظه می کند و اگر می خواهید صدای حق را بلند کنید و امر بالمعروف نمایید. اما هیچ همکار و مددگاری ندارید، پس به وی بنگرید که در مکه ناتوان و ضعیف است، و همکار و مددگاری ندارد، که او را کمک نماید، اما با وجود این، به سوی حق آشکارا فرا می خواند. اگر دشمن خود را شکست داده اید و او را مغلوب نموده اید و حق بدستان غلبه یافته و باطل سرنگون و زبون شده و به هدفتان رسیده اید در چنین موقعیتی نمونه تان محمد رسول الله ﷺ است، آن هنگام که وارد مکه شد و آنرا فتح کرد.

اگر می خواهید کارهایت را منظم کنی و به دارایی ات رسیدگی نمایی، به رسول معظم بنگر، آن زمان که صاحب اراضی «بنی نضیر»، «خبیر» و «فدک» شد؛ بین که چگونه تدبیر نمود و مسئولیت آن را به افراد شایسته و کاردان تفویض کرد.

اگر یتیم هستی، به جگر گوشه آمنه و عبدالله بنگر، که هر دو از دنیا رحلت کرده اند و فرزندشان خردسال و یتیم

است. اگر کم سن و سال هستی، آن کودک با عظمت را نگاه کن، آن هنگام که مادر رضاعی مهربانش «حلیمه سعدیه» او را پرورش می دهد. اگر جوان و تنومند هستی، سیره و زندگانی شبان مکه را به دقت بخوان و درس بگیر.

اگر بازرگان و حامل کالای تجارت هستی، طرز عمل سردار آن کاروان را ملاحظه کن که رهسپار بصری شده است.

اگر قاضی و داور هستی، به آن داور بنگر که صبح هنگام راهی کعبه شده تا حجرالاسود را سر جای آن قرار دهد، در حالی که سرداران مکه عزم جنگ و اختلاف نموده اند. باز مجدداً نگاهت را به سوی او بینداز و بین که چگونه در صحن مسجد مدینه میان مردم به عدل و داد قضاوت می نماید. فقیر و محتاج و غنی و ثروتمند، نزد وی برابرند.

اگر شوهر هستی، سیره پاک و زندگی با عفاف شوهر خدیجه و عائشه را مطالعه کن. اگر پدر فرزندان هستی، بین که پدر فاطمه الزهرا رضی الله عنها و پدر بزرگ حسن و حسین رضی الله عنهما چگونه با آنها رفتار می نماید.

به هر حال هر کسی باشی و دارای هر موقعیتی هستی و در هر حالی که شب و روز را سپری می کنی بدان که سیره و زندگانی حضرت محمد ﷺ بهترین راهنما و سرمشق زندگی ات است که تاریکیهای زندگی را با نور فروزان خود روشن می کند و کدورت های حیات را برطرف می سازد. نا بسامانیهای را سامان می بخشد و انحرافات را اصلاح و کجیها را راست می نماید.

به راستی که سیره طیبه و جامع رسول الله ﷺ ملاک حسن اخلاق و بنیاد آموزشها، برای همه ملل جهان و همه طبقات بشر در تمام مراحل و شرایط گوناگون زندگی است. آزی! سیره محمدی چراغ فروزانی برای جویندگان نور و روش موفقیت آمیزی برای طالبان هدایت، و راهنمایی هایش پناهگاه هر جویننده رشد و سعادت است.^(۱)

۱- «الرساله المحمدیه» ص ۱۳۵-۱۳۷ (تعریب الاستاد محمد ناظم الندوی).